

پژوهشی در تفسیر «ینابیع العلوم» اندخودی

حسن جهاندار*

چکیده

تفسیر ینابیع العلوم، تصنیف یوسف بن عبیدالله اندخودی، یکی از مهم‌ترین تفسیرهای کهن فارسی است. این تفسیر که در نیمه دوم قرن ششم هجری پدید آمده، دارای وجوه اهمّیت فراوانی است که از آن جمله به‌طور کلی می‌توان به اهمّیت آن در مطالعات دینی و مذهبی، مطالعات تفسیری، و مطالعات مربوط به زبان و ادب فارسی اشاره کرد. در این پژوهش، افزون بر معرفی مفسّر و تحقیق در احوال او، به توصیف ویژگی‌های ساختاری و اندیشگانی تفسیر، معرفی و بررسی دستنویس‌ها، و بررسی برخی ویژگی‌های زبانی متن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن، ینابیع العلوم، اندخودی، نسخه خطی، ویژگی‌های زبانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۹

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / jahandar@ut.ac.ir

◆ این مقاله، مستخرج از رساله دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی، در گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است.

مقدمه

تفسیر ینابیع العلوم یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین و بزرگترین تفاسیر قرآن به زبان فارسی است. مصنف این اثر، یوسف بن عبیدالله اندخودی، از عالمان قرن ششم هجری است که در خراسان و بخارا می‌زیسته است.

ینابیع العلوم هنوز آن‌چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. این کتاب نمایاننده ویژگی‌های خاص زبان خراسان و فرارود در قرون میانه اسلامی و گنجینه‌ای از واژگان کهن است که در شناخت تاریخ زبان فارسی و گونه‌های زبانی آن ارزش بسیاری دارد، و مشتمل است بر انبوهی از احادیث و روایات و قصص و مباحث دینی و مذهبی گوناگون و گاه اشارات تاریخی. از زیبایی‌های ادبی هم خالی نیست، زیرا مشتمل است بر بسیاری از داستان‌ها، حکایات و قطعات ادبی، آرایه‌ها و صنایع ادبی (چه در دیباچه و چه در متن) و انبوهی از اشعار و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی.

در این مقاله به معرفی اجمالی مفسر، تفسیر و دستنویس‌های آن، و بررسی برخی ویژگی‌های زبانی متن می‌پردازیم.^۱ این تفسیر نخستین بار توسط پژوهشگر افغانستانی، محمد صالح پرونتا، شناسانده شد. او که نسخه‌ای از این تفسیر را در کتابخانه شخصی خود داشت (نسخه مرعشی ۶، نک. بخش معرفی دستنویس‌ها)، در سنبله سال ۱۳۳۶ ش، این اثر را در مقاله‌ای در مجله آریانا معرفی کرد (پرونتا، ۱۳۳۶ الف: ۱-۹).^۲ چندی پس از انتشار مقاله پرونتا، نوشته او توسط عبدالغفور روان فرهادی به دست هلموت ریتر آلمانی رسید. ریتر در بیان اهمیت این کتاب دو نامه کوتاه، یکی به روان فرهادی و دیگری به پرونتا، نوشت. پرونتا ترجمه هر دو نامه را در ضمن یادداشتی در همان نشریه به چاپ رساند (پرونتا، ۱۳۳۶ ب: ۱-۳). از آنجاکه در سخنان ریتر خط‌هایی مهم وجود داشت،

۱. به سبب تعدد ارجاعات به دستنویس‌های ینابیع العلوم، نشانی نسخه‌ها در متن مقاله با کوتاه‌نوشت مشخص شده است که عبارتند از: مرعشی ۱ تا ۸، مغنیسا، و تاجیکستان. مشخصات این ده نسخه، علاوه بر فهرست منابع، در بخش معرفی دستنویس‌ها نیز آمده است.

۲. نامی از این تفسیر در کشف الظنون هم آمده است، اما همان‌طور که پرونتا هم متذکر شده، با توجه به شیوه کار حاجی خلیفه و نیز معرفی ناقص او از این اثر، می‌توان حدس زد که او خودش این تفسیر را ندیده بوده است (حاجی خلیفه، ۱۴۴۳: ۶۴۵/۷؛ همو، ۱۳۶۰: ۲/۵۱۰۲).

محمدابراهیم عالمشاهی در مقاله‌ای نکاتی را درباره آن متذکر شد (عالمشاهی، ۱۳۳۶: ۱-۶). در ایران، نخستین کسی که به این اثر به طور جدی توجه کرد محمدتقی دانش‌پژوه بود که از طریق مقاله پرونتا و گفت‌وگو با او، با این اثر آشنا شد و بعدها با دسترسی به دو نسخه دیگر (مرعشی ۱ و مغنسیا، نک. بخش معرفی دستنویس‌ها)، یک مقاله (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۳-۳۷۸) و دو یادداشت (همو، ۱۳۴۶: ۵۲۰-۵۲۴؛ همو، ۱۳۴۷: ۴۷۴-۴۷۵) درباره این اثر و نسخه‌های آن نوشت. مقاله دانش‌پژوه تا به امروز مهم‌ترین منبع درباره این تفسیر است و نوشته‌های اندک محققان بعدی در این باره، در فهرست‌ها و دیگر نوشته‌ها، غالباً تکرار سخنان او است. اولین و تنها تحقیق بر متن ینابیع العلوم هم تصحیح بخشی از متن آن است که توسط حوریه شیخ‌مونسی، به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انجام شده است (شیخ‌مونسی، ۱۳۸۹). او تفسیر سه سوره توبه، یونس و هود را بر اساس تک‌نسخه مغنسیا (نک. بخش معرفی دستنویس‌ها) تصحیح کرد.

درباره مؤلف

نام کامل مؤلف را دانش‌پژوه چنین نوشته است: «صفی‌الدین یوسف بن عبدالله بن ابی‌یعقوب یوسف بن احمد بن علی بن احمد اندخودی/ انخودی لؤلؤئی» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۳؛ همو، ۱۳۴۸: ۴۲۵). نام پدر مؤلف که دانش‌پژوه او را ظاهراً تنها با استناد به نسخه مغنسیا (۳۲۹ر) «عبدالله» دانسته^۱، گویا اشتباه است و نام درست او، به گواهی نسخه مرعشی ۶ (نک. ۲ر، ۴پ، ۶ر)، نسخه تاجیکستان (نک. ۵۹پ، ۶۹پ، ۷۳پ، ۷۶ر، ۸۰ر، ۸۱پ، ۸۳ر، ۸۴پ، ۸۶پ)، و نیز کشف الظنون (حاجی‌خلیفه، ۱۴۴۳: ۶۴۵/۷؛ همو، ۱۳۶۰: ۲۰۵۱/۲) «عبیدالله» است.

لقب «صفی‌الدین» تنها از ترقیمه نسخه مرعشی ۱ به دست آمده است. نام خودش

۱. پژوهشگران بعدی و فهرست‌نویسان، ظاهراً به پیروی از دانش‌پژوه، نام پدر او را «عبدالله» نوشته‌اند. البته در تاریخ خیرات هم نام او «عبدالله» آمده است (موسوی، تاریخ خیرات، ش ۶۱ - ب: ف ۱۰۰؛ همو، تاریخ خیرات، ش ۵۵۷۶: ۸۴پ). استوری به اینکه در تاریخ خیرات بخشی از سخنان اندخودی نقل شده، اشاره کرده است. شاید او در پذیرش این نام به آن کتاب نیز توجه داشته است (استوری، ۱۳۶۲: ۱۲۰).

(یوسف)، و نام پدرانش (ابویعقوب یوسف و احمد و علی)، در منابع مختلف به همین صورت آمده است (مغنیسا: ۳۲۷ پ و ۳۲۹ ر؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷/۲؛ همو، ۱۴۰۲: ۶۰/۱۳؛ همو، المعجم: ۲۸۶ ر؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷: ۲۶۰/۱). نام پدر پنجمش (احمد)، از المعجم سمعانی (سمعانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷/۲؛ همو، المعجم: ۲۸۶ ر) دانسته می‌شود و شهرت «لؤلؤئی/لؤلؤی»^۱ از المعجم (سمعانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷/۲؛ همو، المعجم: ۲۸۶ ر) و کشف الظنون (حاجی خلیفه، ۱۴۴۳: ۶۴۵/۷؛ همو، ۱۳۶۰: ۲۰۵/۲)، و نسبت «اندخودی» به صورت‌های مختلف (اندخودی/ آنخودی/ آنخدی/ نخودی/ نخدی (با دال و ذال) در منابع آمده است.

تنها اطلاعی که درباره پدر مفسر در دست است اشاره خود اوست که وی را شیخ، قاضی و امام خوانده است: «والدی الشیخ القاضی الامام...» (مغنیسا: ۳۲۹ ر). پدر بزرگ او، ابویعقوب یوسف بن احمد نخدی، عالمی سرشناس بوده است که نزدیک به ۴۴۰ ق به دنیا آمده و کوتاه‌زمانی بعد از ۵۳۳ درگذشته است. او مدتی در بخارا زندگی کرده و فقه و حدیث را در آنجا آموخته است (نک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۴؛ سمعانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷/۲؛ همو، ۱۴۰۲: ۶۰/۱۳؛ همو، المعجم: ۲۸۶ ر؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷: ۲۶۰/۱). درباره شخص مؤلف ینابیع نیز باید گفت که عنوان «امام»، که در همه منابع پیش از نام او آورده‌اند، و نیز اهمیت خود تفسیر، نشان از آن دارد که وی از علمای طراز اول زمان خود بوده است؛ چنان‌که خود گفته است:

فأنتی رجل قصرت همّتی و حضرت نهمتی من اوان صغری الی زمان کبری علی تحصیل
شی من علوم الدّین ... حتّی ظننتُ انّی فی عنفوان شبابی صرت قدوة لأهل زمانی
(مرعشی ۶: ۱۸ ر؛ مرعشی ۴: ۱۲ ر).

درباره زادگاه او، سمعانی می‌گوید:

الأندخودي: بفتح الألف وسكون التّون وفتح الدّال المهملة والخاء المعجمة وفي آخرها
الدّال المعجمة. هذه التّسبة إلى اندخوذ وهي بلدة بنواحي بلخ ممّا یلی مرو علی طرف
البریة، وینسبون الیها بالتّخذی (سمعانی، ۱۴۰۲: ۳۶۰/۱).

۱. لؤلؤی: نسب بهذه التّسبة جماعة كانوا یبعون اللؤلؤ (سمعانی، ۱۴۰۲: ۲۳۰/۱۱).

التَّخْذِي: بفتح التَّوْنِ والنَّخَاءِ المعجمة وفي آخرها الدَّالُّ المعجمة. هذه التَّسْبِبةُ إلى أُنْدَخُودٍ وهي بلدة على طرف البرية بين بلخ و مرو، وكذا رأيت جماعة من أهل البلدة ينتسبون إليها (همان: ۵۹/۱۳).

سیوطی و یاقوت هم مشابه همین‌ها را گفته‌اند؛ جز اینکه این دو «خ» را در «أُنْدَخُود» مضموم نوشته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۱: ۷۷/۱ و ۲۹۴/۲؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷: ۱/۲۶۰؛ نیز نک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۳-۳۷۴).

اندخوی، یا اندخود، شهری است در استان فاریاب در شمال غربی افغانستان ... در حاشیه صحرای قراقوم و کنار آب اندخوی واقع شده است ... کهن‌ترین یادکرد از این شهر به صورت نخذ از سده ۸ ق/م است که طبری در وقایع سال ۱۱۶ ق/۷۳۴ م از آن نام می‌برد (جعفری‌مذهب، ۱۳۸۰: ۳۲۰/۱۰؛ نیز نک. له استرانج، ۱۳۳۷: ۴۵۳).

مؤلف، در مقدمه تفسیر مورد بررسی، دربارهٔ اوضاع زندگی خود مطالب مختصری نوشته، که بیانگر آن است که او از تولد تا جوانی، در حدود سال ۵۶۳ ق، در شهرهای خراسان، اشبرقان و انخوذ و بلخ، به سر می‌برده است. او آن دوران را به خوشی گذرانده، اما از ابتدای ۵۴۸ ق که زمان حملهٔ غزها به خراسان است در سختی و محنت بوده تا اینکه با خانوادهٔ خود راهی بخارا می‌شود و احتمالاً از ۵۶۴ ق تا آخر عمر در آن دیار می‌ماند (مرعشی ۶: ۱۸-۱۹ پ؛ مرعشی ۴: ۱۲-۱۳ پ). نگارش تفسیر را در همین شهر آغاز کرده (مرعشی ۶: ۱ پ و ۱۹ پ؛ تاجیکستان: ۵۸، مرعشی ۴: ۱۲ پ) و آن را به حاکم بخارا، صدر جهان برهان‌الدین محمد بن عمر تقدیم کرده است. نیز از برادر ممدوح، عبدالعزیز بن عمر، که حامی مؤلف بوده و پدر آن‌ها، حسام‌الدین عمر، به نیکی یاد کرده است (مرعشی ۶: ۱ پ-۳ ر؛ تاجیکستان: ۵۸-۶۳ ر).

آغاز نگارش کتاب در بهار هفتم شعبان سال ۵۶۴ ق بوده است^۱ و ظاهراً کار نگارش چندان طول نکشیده و در کمتر از دو سال به پایان رسیده است، زیرا ممدوح، یعنی محمد بن

۱. مطابق جداول گاه‌شماری، هفتم شعبان ۵۶۴ ق ظاهراً برابر است با روز سه‌شنبه بیست‌وسوم اردیبهشت (ثور) سال ۵۴۸ ش. اما خود نویسنده گوید افتتاح در جوزا بود، یعنی خرداد. اگر این سال ۵۶۳ باشد، درست درمی‌آید؛ زیرا هفتم شعبان ۵۶۳ ق مطابق می‌شود با جمعه سوم خرداد ۵۴۷ ش. دلیل این اختلاف شاید سهل‌گیری نویسنده یا خطای کاتب باشد؛ اما محتمل‌تر است که متن صحیح باشد و اختلاف به‌خاطر اصلاحات و تغییرات تقویم در طول تاریخ باشد.

عمر، در ۵۶۶ ق به قتل رسیده است (نک. جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۱، به نقل از ابن ابی الوفاء، ۱۴۱۳: ۲۸۵/۳). شاید به نظر برسد که این زمان برای نگارش چنین تفسیر بزرگی کم بوده است، اما مؤلف خود توضیح داده که برای آموختن علوم و گردآوری و آماده کردن مطالب سال‌ها زحمت کشیده است (مرعشی ۶: ۱۸، مرعشی ۴: ۱۲)^۱، به ویژه در دوره هفده ساله آشفته‌گی اوضاع پیش از مهاجرتش به بخارا (سال‌های ۵۴۸ تا ۵۶۴ ق) (مرعشی ۶: ۱۸ و ۲۰؛ مرعشی ۴: ۱۲ و ۱۴) و نیز دو بار اشاره دارد به اینکه تفسیر را «املا» کرده است (مرعشی ۶: ۱ و ۱۹؛ تاجیکستان: ۵۸، مرعشی ۴: ۱۳ پ).

درباره مذهب فقهی و اندیشه کلامی مفسر، همان‌طور که پژوهشگران پیشین گفته‌اند، به قرینه زمان و مکان زندگی و نیز نقل قول‌های او، به ویژه نقل‌های بسیار از ابومنصور ماتریدی، می‌توان با اطمینان گفت که حنفی و ماتریدی است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۵ و ۳۷۸؛ شیخ‌موسی، ۱۳۸۹: ۲-۳). همچنین، همان‌طور که دانسته شد، مؤلف این تفسیر را به حاکم بخارا، برهان‌الدین محمد بن عمر، اهدا کرده است و می‌دانیم که حاکمان آل برهان همگی خود از علمای حنفی مذهب بوده‌اند. نکته دیگر اینکه مؤلف در جایی چنین آورده است:

مصطفی به قضاء حاجت خود بیرون شد. چون باز آمد گفت: آب داری؟ گفتم: یا رسول‌الله، با من کوزه‌ای است، در وی نبیذ تمر است. رسول‌الله گفت: تَمْرَة طَیْبَة و ماء طهور. طهارت کرد به آن آب و نماز کرد (مرعشی ۱: ص ۲۷۳).

در حاشیه همین صفحه و با خطی متأخر نوشته شده است:

آب که درو خرما انداخته باشند، نزد حنفی جایزست، اما نزد شافعی نه.

درباره تاریخ تولد و وفات مؤلف هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست^۲؛ اما حدس‌هایی

۱. گویا استوری بر اساس همین اشارات و بر اساس یادکرد نیک مؤلف از حسام‌الدین عمر، چنین گفته است که: «صدر جهان حسام‌الدین عمر در ۵۳۶ هـ/۱۱۴۱ م... کشته شده است... گویا تفسیر به وسیله یوسف بن عبدالله به روزگار حسام‌الدین عمر آغاز و در روزگار پسرش به پایان رسیده است» (استوری، ۱۳۶۲: ۱۲۰).

۲. تنها کسی که درباره تاریخ وفات اند خودی چیزی نوشته است، آدنه‌وی، مؤلف طبقات المفسرین (تألیف قرن یازدهم) است. او بدون هیچ توضیحی سال وفات وی را ۵۴۵ ق دانسته است که اشتباه بودن آن روشن است (آدنه‌وی، ۱۴۱۷: ۱۸۴).

می‌توان زد. مثلاً دربارهٔ حملهٔ غز گفته‌است:

... حَتَّى ظَنَنْتُ أَنِّي فِي عَنفَوَانِ شَبَابِي صَرْتُ قَدْوَةَ لِأَهْلِ زَمَانِي... إِذَا صَبَّ عَلَيْنَا بِشَوْمِ جِرَائِمِنَا
سَوِّطِ الْعَذَابِ وَحَقَّقْتَ عَلَيَّ خِرَاسَانَ كَلِمَةَ الْعَذَابِ (مرعشی ۶: ۱۸؛ مرعشی ۴: ۱۲).

نیز گفته‌است:

مَدَّتِي مِنْ رُوزِ كَارِ صَبَّوْتِ كِهْ دَرِ خِرَاسَانَ بُوْدِيم... دَرِ غَرَّةِ مَحْرَمِ سَنَةِ ثَمَانِ وَارْبَعِينَ
وَخَمْسَمِائَةِ چَهَارِ بَالَشِ سُلْطَنَتِ سَلْجُوقِيَانِ رَا بَرْدَاشْتَنْدَ وَبَدْتَرِينَ قَوْمِي رَا بَرِ أَهْلِ خِرَاسَانَ
گَمَاشْتَنْدَ (مرعشی ۶: ۱۸؛ مرعشی ۴: ۱۲).

بنابراین حملهٔ غزها که در ۵۴۸ رخ داده‌است، ظاهراً اندکی پس از نوجوانی و در اوایل دورهٔ جوانی نویسنده بوده‌است. پس تولد او شاید حدوداً در دههٔ سوم این قرن، بوده باشد.^۱ او در جایی دیگر اشاره‌ای به سنّ خود دارد:

امید داریم که دلی که پنجاه سال از خلاصهٔ اخلاص ایمان، خاص رحمن گشت،
دست‌مال شیطان نگردد (مرعشی ۲: ۵۷؛ مغنيسا: ۱۲۷).

هرچند که چنین قول‌هایی را نمی‌توان قرینه‌ای دقیق و کاملاً حاکی از احوالات شخصی دانست، اما اگر این سخن را خالی از دقت ندانیم، و نیز چنانچه زمان بیان آن، طبق تاریخ نگارش تفسیر، حدود ۵۶۵ق و کمابیش نزدیک به پنجاه‌سالگی مؤلف بوده باشد، می‌توان آن را نشانه‌ای گرفت بر اینکه نویسنده در دههٔ دوم یا سوم سدهٔ ششم زاده شده‌است. نیز دورهٔ زندگی پدر بزرگ او، ابویعقوب یوسف، یعنی حدود ۴۴۰ تا ۵۳۳ق با این گمان سازگار می‌نماید.

باری، متأسفانه نشانهٔ روشنی برای تعیین دقیق سال ولادت و درگذشت مؤلف در دست نیست، و همین قدر می‌دانیم که همه یا بیشتر عمر مؤلف در قرن ششم سپری شده‌است و به نظر می‌رسد که احتمالاً در دههٔ سوم این سده به دنیا آمده و در اواخر آن یا شاید اوایل قرن بعد، درگذشته‌است.

۱. مؤلف خود دورهٔ کودکی و جوانی را چنین برمی‌شمرده‌است: «اما کودکی، از گاهواره تا هژده سالگی است و جوانی، از هژده تا سی سالگی است» (مرعشی ۲: ۵۸؛ مغنيسا: ۱۲۷).

درباره کتاب

مؤلف درباره نام‌گذاری اثر گفته است:

سمّيته ينابيع العلوم اذ نبع من عيون عباراته علوم الدين وظهر من متون اشاراته نور اليقين
(مرعشی ۶: ۳، تاجیکستان: ۶۴پ)

و انگیزه خود را درخواست دوستان فاضل مبنی بر نگارش تفسیری جامع و عمومی به زبان فارسی، و هدفش را طلب رضای خداوند و پاسخ به این درخواست بیان کرده است
(مرعشی ۶: ۱۹-۲۰پ؛ مرعشی ۴: ۱۳-۱۴ر).

او درباره ساختار کتاب و روش کار خود چنین توضیح داده است:

فبدأ أوّلاً لكلّ آية تفسيرها؛ ثمّ نزولها وتأويلها؛ ثمّ بيان اختلاف قرائتها وعلل معانيها؛ ثمّ لغاتها وبيان مبانيها؛ ثمّ لو كان لها قصة، ابسط البيان في قصتها؛ ثمّ اذكر اخباراً يُلاقى في قصتها؛ ثمّ اذكر ما فيها من اصول الدين والرّد على اهل الاهواء والمبتدعين... وإنّ بعض اجلّة الدين، لا اقصر في حقوقهم ولا احوّل حول عقوقهم، التمسوا منّي أن أزيد للآيات التي يقرأها القراء في المجالس ويفسّرها المفسّرون والمذكّرون على المنابر وفي المدارس؛ فأوردت لتمام مسئولهم لكلّ آية منها فصلاً وأردت لاكمال مأمولهم من التذكير فيها اصولاً، ليكون لكلّ مفسّر أهبة، لكلّ عالم ومذكّر عمدة... ثمّ ذكرت عشرين فصلاً في مقدّمته فيما لا بُدّ للمفسّر عن معرفته (مرعشی ۶: ۳؛ تاجیکستان: ۶۴-۶۵ر؛ نیز نک. مرعشی ۶: ۲۰؛ مرعشی ۴: ۱۳پ).

در دیباچه و در فصل بیستم مقدمه از احوال خود گفته است و از اوضاع زمان، از انگیزه و سبب نوشتن تفسیر و از ممدوح، از شیوه کار و سخن‌های دیگر، و در هر یک از دیگر فصل‌ها چیزهایی نوشته است درباره یکی از مباحث قرآنی که دانستن آن‌ها برای مفسّران لازم است (نک. مرعشی ۶: ۳؛ تاجیکستان: ۶۵-۶۶ر).

از نظر گرایش تفسیری، برخی پژوهشگران به گرایش عرفانی انخودی اشاره کرده‌اند^۱ و این سخن چندان بی‌راه نیست. او گاهی روش عرفانی در پیش گرفته و نقل قول‌هایی از صوفیه و اهل تأویل آورده است. با این حال این شواهد اندک است و ینابیع در نگاه کلی،

۱. نک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۸؛ درایتی، ۱۳۹۲: ۳۴/۹۱۰؛ حائری و مرعشی نجفی، ۱۳۶۹: ۱۵/۱؛ مرعشی نجفی و اصفیانی، ۱۳۸۷: ۳۷/۵۶۵.

«تفسیری است روایی از قرآن مجید» و «از آنجا که نویسنده کتاب سعی بلیغ دارد تا بر روایات مذهبی فرقه خویش تکیه کرده و مردم را از رهگذر ایمان و عقیده بدان مبانی ارشاد نماید، بر روایت بیش از درایت استواری و اتکا دارد» (شیخ مونس، ۱۳۸۹: ۱).

او درباره انگیزه نوشتن تفسیر به فارسی چنین گفته است:

سألنی بعض الاجلّة من اخوانی ان اجمع لهم تفسیر القرآن بالفارسیّة، اذ هی الیق فی اوانی و اوفق و ایسر فی مکانی... فاخترتُ هذا الاصل مبینا بالفارسیّة اذ هو لأهل الزّمان ایسر و جمعه علی المفسّرين اعسر (مرعشی ۶: ۳؛ تاجیکستان: ۶۲ پ و ۶۳ ر).

اما عربی را برتر دانسته و در توجیه برگزیدن فارسی چنین گفته است:

فصول اعتذار به هر زبان که بیان کنم بر لغت عربیّت مزید نباشد؛ لکن به نزد عامه خلق مفید نباشد (مرعشی ۶: ۱۸ پ؛ مرعشی ۴: ۱۲ ر).

و لغت عربیّت را با زبان فارسی بیامیختیم تا بدانند که در عبارت قصوری نبود و در قدرت فتوری نی؛ لیکن به پارسی آوردن از بهر آن بود تا جمله را از این کتاب نصیبی باشد (مرعشی ۶: ۲۰ ر، مرعشی ۴: ۱۳ پ).

سبک سخن آندخودی به طور کلی ساده است؛ گرچه بسیار پیش می آید که ناگاه سخن را به عربی می گرداند تا احتمالاً قدرت سخن وری خود را نشان دهد (نک. نقل قول اخیر). با آنکه در برخی قسمت های مقدمه از آرایه هایی مانند سجع بهره می گیرد، اما تصریح می کند که اگر می خواستم می توانستم بسیار فنی بنویسم، اما ساده نوشتم تا همه بفهمند؛ چون پیامبر گفته است: «کلموا الناس علی قدر عقولهم» (نقل به مضمون، از مرعشی ۶: ۳ پ؛ تاجیکستان: ۶۶ پ).

مفسّر به منابع پیشین توجه بسیار داشته است. منابع او را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: منابع تفسیری، عرفانی و ادبی. نقل های او گاه با ذکر گاه بدون ذکر منبع است. بررسی این موضوع و مآخذشناسی ینابیع نیازمند پژوهشی مفصل و مستقل است (مثلاً نک. دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۵ و ۳۷۸). نگارنده در جستجوی خود در فهرست ها و آثار دیگر، غیر از همین ینابیع العلوم، اثر دیگری نیافت که به مؤلف منسوب شده باشد. با این حال، خود او در جایی گویا از آثار دیگری نام می برد که به عربی نوشته بوده است:

سألنی بعض الاجلّة من اخوانی ان اجمع لهم تفسیر القرآن بالفارسیّة... بعد ان جمعت

معانی کتاب الله العظیم باللغه العربیة مثل عمدة المفسرین و عده المذکرین و اصول التفاسیر و غیرها^۱ (مرعشی ۶: ۳؛ تاجیکستان: ۶۳ ر).

و می توان احتمال داد که او در نگارش ینابیع از این آثار بهره برده است.^۲ در منابع کهن، تنها جایی که نامی از ینابیع و مؤلف آن آمده، تاریخ خیرات است (نک. استوری، ۱۳۶۲: ۱۲۰). این کتاب، تاریخی عمومی است از دوره تیموری. نویسنده آن، محمد بن فضل الله موسوی، در ذیل ذکر پادشاهان سلجوقی، بخشی از سخنان اندخودی را که درباره حمله غزان به خراسان و مهاجرت او به بخاراست، نقل کرده است (موسوی، تاریخ خیرات، ش ۵۵۷۶: ۸۴ پ؛ نیز نک. مرعشی ۶: ۱۸-۱۹ پ؛ مرعشی ۴: ۱۲-۱۳ پ).

معرفی دستنویس ها

از ینابیع العلوم تا کنون ده نسخه دستنویس یافت شده است که هیچ کدام کامل نیست. از این ده نسخه، دو نسخه متعلق به یک مجموعه و سه نسخه متعلق به مجموعه ای دیگر هستند و بنابراین می توان گفت در واقع هفت دستنویس از آن موجود است. در ادامه این نسخه ها معرفی خواهند شد و توضیحاتی به اختصار خواهد آمد (درباره این نسخه ها، نک. درایتی: ۹۱۰/۳۴ و ۹۱۱؛ فتح الله زاده و بیگ باباپور: ۵۳۲/۷-۵۳۸).

۱. نسخه شماره ۲۹۶ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، نسخه عکسی شماره ۱۶۴ تا ۱۶۷ (با نشانه مرعشی ۱)؛ تاریخ کتابت: دهم محرم ۶۶۱ ق؛ کاتب: محمد بن حسین ملقب به حسام ختنی؛ خط: نسخ؛ ۳۰۱ برگ؛ از میانه تفسیر آیه ششم سوره نجم تا پایان قرآن. در صفحه آخر اجازه روایتی نوشته شده است از علی بن اسود بن علی برای کاتب، حسام ختنی، با تاریخ آخر ربیع الاول ۶۶۱. استاد شهاب الدین مرعشی این شخص را «أحد تلامیذ المؤلف» دانسته اند (حاشیه صفحه سوم نسخه).

۱. مرعشی ۶: غیر.

۲. پرونتا درباره همین بخش می گوید: «طوری که از مطاوی عبارات استنباط می شود، امام اندخونی در هنگام نگارش تفسیر خود، از تفاسیر عمده المفسرین و عمده المذکرین و اصول التفاسیر و غیره استفاده کرده است» (پرونتا، ۱۳۳۶: ۳). از مطاوی عبارات پرونتا استنباط می شود که به زعم او این ها آثاری متعلق به دیگران است، نه خود اندخودی.

آیات و عناوین با خط درشت‌تر متمایز شده‌اند. گاه در متن و حاشیه‌ها اصلاحاتی دارد که برخی از کاتب و برخی از دیگران است. در نسخه عکسی کتابخانه سه عکس کم است (شامل عکس صفحات ۷۶ و ۱۱۴، ۷۷ و ۱۱۵، و ۱۹۰ و ۱۹۱) که با توجه به اینکه این صفحه‌ها، صفحات پشت و روی برگ‌هایی هستند که تصویر رو و پشت آن‌ها موجود است، به نظر می‌رسد در عکس برداری جاافتاده‌اند. در میان صفحات ۳۵۸ و ۳۵۹ افتادگی‌ای هست، ظاهراً به اندازه دو برگ (تفسیر آیه سوّم نبأ تا آیه نهم نازعات).

۲. نسخه شماره ۱۶۴۳۶ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۲): بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ و نستعلیق؛ ۱۵۰ برگ؛ از میانه تفسیر آیه اول سوره هود تا پایان سوره حجر. این نسخه و نسخه شماره ۱۴۶۳۷ متعلق به یک مجموعه هستند. درباره تاریخ احتمالی این دو نسخه در فهرست فنخا آمده است: «حدود قرن ۸ و ۹». در صفحه نخست نسخه اول، آقای محمود مرعشی نوشته‌اند: «مورخ نیمه دوم سده ۷ هـ»؛ و در ابتدای دیگری: «دقیقاً در نیمه دوم سده ۷ هـ کتابت شده است». در حاشیه پایینی ۱۲۵ پ با خطی درشت نوشته شده است: «مقابله شد با نسخه مؤلف سبع ذی حجه سنه ۷۴۸».

ظاهراً یک برگ از ابتدای متن که شامل آغاز سوره هود بوده، افتاده است. همچنین گویا برگ‌هایی از میانه‌های نسخه افتاده بوده است که توسط کاتبان دیگر جبران شده. به نظر می‌رسد که این نسخه غیر از کاتب اصلی، سه کاتب دیگر داشته است. بیشتر متن به خط کاتب اصلی است، و از برگ ۱۶ تا ۲۳ پ و ۳۱ تا ۴۳ پ به خط کاتب دوم، و از برگ ۵۱ تا ۶۳ پ و ۷۱ تا ۸۲ پ به خط کاتب سوّم، و از برگ ۹۸ تا ۱۰۷ پ به خط کاتب چهارم. صفحات نوشته‌شده توسط کاتب اصلی هر کدام ۲۷ سطر دارد، کاتب دوم و سوّم ۲۱ سطر، و کاتب چهارم ۲۳ سطر. در حاشیه صفحات بازنویسی شده، غیر از تصحیح اشتباهات، گاه نسخه‌بدلی نیز ارائه شده است.

ویژگی‌های ظاهری، از جمله کاغذ و خط‌ها، چنان می‌نماید که کار کاتبان بعدی نسبت به کار کاتب اصلی چندان متأخر نیست و بررسی ویژگی‌های متنی و کیفیت ضبط‌ها هم نشان می‌دهد که یا این کاتبان از روی نسخه‌های هم‌تبار نوشته‌اند، یا اینکه کاتبان بعدی متن را از روی همان متن آسیب‌دیده کاتب اصلی بازنویسی کرده‌اند.

۳. نسخه شماره ۱۶۴۳۷ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۳): بی تاریخ؛ ۲۲۶ برگ؛ از ابتدای سوره نحل تا پایان سوره نور. این نسخه دقیقاً ادامه نسخه ۱۴۴۳۶ است و بنابراین ویژگی‌های کلی هر دو یکی است. این نسخه نیز چند کاتب دارد. از اول تا آخر ۱۱۴ کار همان کاتب اول نسخه قبلی است و از ۱۱۷ پ تا آخر، به اضافه صفحات ۶۵ پ و ۶۶ ر کار کاتب پنجم. تمام صفحات ۲۷ سطر دارد. صفحه‌های ۱۱۴ پ تا آخر ۱۱۷ ر هم به خط متفاوتی نوشته شده است که به خط کاتب اول بسیار شبیه است و گویا کار خود او باشد؛ اما واژه‌ها با فاصله و کشش بیشتری کتابت شده است و البته تعداد سطور این صفحات، یکی دو سطر کمتر از بقیه است. برگ ۲۴ پ سفید است و متن آن موجود نیست. همچنین بین صفحه ۱۶۵ پ و ۱۶۶ ر چند برگی افتادگی هست (شامل تفسیر آیات ۹۱ تا ۱۰۷ طه). در برگ‌های ۱۳۶ تا ۱۴۰ پ نیز کاغذ کتاب وصله و ترمیم شده و متن از بین رفته بازنویسی شده است که خطش شبیه خط کاتب دوم است.

۴. نسخه شماره ۱۴۵۰۱ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۴): بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ؛ ۵۲۲ برگ؛ از میانه فصل دوم مقدمه تا میانه تفسیر آیه ۱۹۶ اعراف. تاریخ کتابت آن را در فهرست فنخا قرن ۸ دانسته‌اند و آقای محمود مرعشی در صفحه نخست نسخه «نیمه نخست قرن ۸ هـ» نوشته‌اند. آیات و عناوین با خطی درشت نوشته شده است. برگ‌های نسخه بسیار به هم ریخته و جابه‌جاست و افتادگی‌های کوچک و بزرگ زیادی دارد. غیر از افتادگی اول و آخر نسخه، در اواسط آن هم ۳۴ افتادگی دیگر به چشم می‌خورد.

۵. نسخه شماره ۱۵۴۱۷ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۵): بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ؛ ۲۶۶ برگ؛ از اواخر تفسیر آیه ۲۱ بقره تا اواخر تفسیر آیه ۳۴ نساء. تاریخ کتابت آن را در فنخا قرن ۸ نوشته‌اند و آقای محمود مرعشی در صفحه نخست نسخه «نیمه سده ۸ هـ» نوشته‌اند. نسخه دو کاتب دارد. از برگ ۲۰۶ پ تا آخر خط تغییر می‌کند. آیات و عناوین با خط درشت مشخص شده است.

۶. نسخه شماره ۱۴۹۲۲ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۶): بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ؛ ۱۷۳ برگ؛ از ابتدای دیباچه تا ابتدای آیه ۹۲ آل عمران. این نسخه با دو نسخه بعدی، یعنی دستنویس‌های شماره ۱۴۹۲۳ و ۱۴۹۲۴ متعلق به یک مجموعه هستند. نسخه

۱۴۹۲۴ تاریخ و نام کاتب دارد. هر سه نسخه به یک خط است، بنابراین ظاهراً هم‌تاریخ‌اند (۹۵۴ هـ) و کاتب هم یکی است (جان درویش بن درویش بن علی ابرقویی). در صفحه نخست نسخه، آقای محمود مرعشی تاریخ آن را «نیمه سده ۱۰ هـ» نوشته‌اند و در فهرست فنخا هم همین آمده است.

این سه نسخه متعلق به یک مجموعه چهارجلدی هستند و همان مجموعه‌ای است که در مالکیت محمدصالح پرونتا بوده است. اولین اطلاع از متن این تفسیر و از این دستنویس، مقاله خود او در معرفتی ینابیع است. متأسفانه مجلد سوم این مجموعه در هنگام انتقال از افغانستان به ایران گم شده است و آیات با خط درشت و عناوین با جوهر قرمز مشخص شده‌اند. در حاشیه گاه تصحیح‌هایی نوشته شده است و به ندرت از نسخه بدلی یاد شده است. نیز گاه توضیحاتی وجود دارد که به خط دیگری است. واژه‌ها در عبارات عربی اغلب، و در عبارات فارسی به ندرت مشکول شده‌اند. برگ اول و برگ ۴۰ تا آخر ۴۳ توسط کاتبی دیگر بازنویسی شده است.

در نسخه ۱۴۹۲۳ از برگ ۳۸ پ به بعد، محتوای متن کلاً عوض می‌شود. یعنی ترجمه‌ای است از قرآن آمده که ربطی به تفسیر ینابیع ندارد. همچنین کل جلد چهارم ادامه همین ترجمه است و جلد سوم نیز باید همین بوده باشد. این ترجمه بیشتر تحت اللفظی است و گاه آزاد؛ عبارات گاه کوتاه گاه بلند است. مطالب بعضی از اوقات تفسیری است که گاهی صبغه عرفانی به خود می‌گیرد. مؤلف این بخش شناخته نشد، اما در مجلد دوم در برگ ۷۱ پ که شامل آغاز سوره انعام است در بالای صفحه، دو بار نوشته شده است: «تفسیر لحوسینی» (ربطی به تفسیر حسینی، اثر مشهور واعظ کاشفی، ندارد). در این بخش، ترجمه در زیر متن آیات نوشته شده است و خط آن کمی ریزتر است، اما ظاهراً کار همان کاتب اصلی است.

۷. نسخه شماره ۱۴۹۲۳ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۷): بی تاریخ؛ ۱۴۹ برگ، متن ینابیع ۳۷ برگ؛ ابتدای تفسیر آیه ۹۲ آل عمران تا ابتدای سوره ابراهیم^(ع) (انتهای متن ینابیع آیه ۱۷۹ آل عمران است). این نسخه ادامه نسخه ۱۴۹۲۲ است و ویژگی‌های کلی هر دو یکی است.

۸. نسخه شماره ۱۴۹۲۴ کتابخانه مرعشی (با نشانه مرعشی ۸)؛ تاریخ: ۲۰ جمادی الاول ۹۵۴ق؛ کاتب: جان درویش بن درویش بن علی ابرقویی؛ ۱۲۸ برگ؛ از آیه ۵ سوره یاسین تا پایان قرآن. این نسخه ادامه نسخه‌های ۱۴۹۲۲ و ۱۴۹۲۳ است و ویژگی‌های کلی‌اش با آن‌ها یکی است.

۹. نسخه شماره ۳۲۸۰ دانشگاه تهران؛ نسخه اصل: شماره ۱۶۷ از کتابخانه مغنيسا (مانيسا گنل) در ترکیه (با نشانه مغنيسا)؛ بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ؛ ۳۲۹ برگ؛ از تفسیر آیه سوم سوره توبه تا پایان سوره کهف. تاریخ نسخه را استاد دانش‌پژوه سده ۸ و ۹ دانسته‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۷۵). «این نسخه از سوره توبه است تا سوره کهف... پس این تفسیر ربع دوم است و بایستی که تمام آن در چهار مجلد بوده باشد» (همان‌جا). آیات و عناوین با جوهر قرمز و گاه با آبی مشخص شده‌است (نسخه عکسی دانشگاه سیاه‌سفید است). عربی‌ها غالباً مشکول است و فارسی‌ها نیز گاهی. این نسخه ظاهراً سه کاتب دارد. از برگ ۹۸ تا ۲۲۶ پ و از ۲۴۵ تا ۲۵۱ پ کار کاتب دوم است و از برگ ۲۹۰ تا ۳۲۹ پ کار کاتب سوم. کار کاتب اول و دوم از همه نظر بسیار به هم شبیه است و گویا هم‌زمان بوده‌اند یا لااقل فاصله زمانی زیادی نداشته‌اند. در سه جا از یک تا چند برگ افتادگی دارد (بین برگ‌های ۷ و ۸، ۳۶ و ۳۷، ۴۱ و ۴۲) و در هشت مورد برگ‌ها جابه‌جاست و در سه مورد شماره آن‌ها.

این نسخه حواشی بسیاری دارد شامل این موارد: تصحیح کلمه یا جمله (اندک است)؛ جبران جافتادگی (بیش از بیست مورد)؛ آوردن کلمه، عبارات، سخن، حدیث، روایت یا حکایتی برای تفسیر و توضیح مطلب (بیش از صد مورد)؛ شعرهای متناسب با موضوع متن (حدود ۱۶۰ بیت)؛ و نوشتن واژه یا جمله‌ای در حکم عنوان موضوع (حدود ۶۰ مورد). در بیان مطالب تفسیری گاه به نام نویسنده یا کتابی اشاره شده‌است. بیشتر اشعار از مولوی است (۷۸ بیت). تنها جایی که نام شاعر را داریم یک غزل یازده بیتی (۵۰) با تخلص «ولد» از سروده‌های سلطان‌ولد است (نک. سلطان‌ولد، ۱۳۳۸: ۳۵۳). حواشی به چندین خط مختلف نوشته شده‌است. با توجه به دست‌خط و همچنین ویژگی‌های املائی و زبانی، به نظر می‌رسد که بسیاری از حواشی تفسیری و شعری، نوشته کاتب دوم نسخه است که با توجه به موضوعات پیداست که از اهل تصوف بوده‌است.

۱۰. نسخه عکسی شماره ۶۰۸۸ کتابخانه وزارت امور خارجه در تهران، از مجموعه «دُرّ پارسی»؛ نسخه اصل: مجموعه شماره ۱۳۵۹ از انستیتوی دست خط‌های آکادمی علوم تاجیکستان (با نشانه تاجیکستان)؛ بی تاریخ؛ بی کاتب؛ خط: نسخ؛ ۳۰ برگ؛ از اوایل دیباچه تا میانه فصل نهم مقدمه. این دستنویس ظاهراً در اصل، مجموعه‌ای از متون مختلف است که بخش مربوط به ینابیع از برگ ۵۷ر است تا پایان ۸۶پ. نسخه موجود در کتابخانه وزارت خارجه فقط این بخش را دارد. تاریخ تقریبی کتابت را در فهرست کتابخانه «قرن ۱۲ و ۱۳ ق» نوشته‌اند. متن نسبتاً مضبوطی دارد.

صفحه‌های شامل دیباچه ۹ سطر دارد و پس از آن هر صفحه ۱۷ سطر. عناوین قرمز نوشته شده‌اند. بین برگ ۶۲پ و ۶۳ر یک برگ افتاده است. این نسخه به خط نسخ درشت و بسیار خوش نوشته شده است. بخش‌های عربی، کامل و بخش‌های فارسی، بیشتر مشکول است. در نگارش واژه‌ها و مشخص کردن حروف دقت بسیار دارد. بین جملات علامت ویرگول به کار برده است.

بر اساس این نسخه‌ها آنچه از نسخه‌های ینابیع موجود است، عبارت است از: دیباچه و مقدمه: مرعشی ۶، مرعشی ۴ ناقص، تاجیکستان ناقص؛ حمد تا ۲۲ بقره: مرعشی ۶، مرعشی ۴ با ۲ افتادگی (حدود ۱۰ آیه)؛ ۲۲ بقره تا ۲۷۳ بقره: مرعشی ۶، مرعشی ۵، مرعشی ۴ با ۱۲ افتادگی (حدود ۴۰ آیه)؛ ۲۷۳ بقره تا ۱۷۹ آل عمران: مرعشی ۵، مرعشی ۷، مرعشی ۴ با ۲ افتادگی (حدود ۷ آیه)؛ ۱۷۹ آل عمران تا ۳۴ نسا: مرعشی ۵، مرعشی ۴ (و مرعشی ۷)؛ ۳۴ نسا تا ۱۹۶ اعراف: مرعشی ۴ با ۱۵ افتادگی (حدود ۶۴ آیه) و مرعشی ۷؛ ۱۹۶ اعراف تا ۳ توبه: مفقود (مرعشی ۷)؛ ۳ توبه تا هود: مغنیسا (و مرعشی ۷)؛ هود تا ابراهیم: مرعشی ۲، مغنیسا (و مرعشی ۷)؛ ابراهیم تا نحل: مرعشی ۲، مغنیسا؛ نحل تا مریم: مرعشی ۳، مغنیسا؛ مریم تا فرقان: مرعشی ۳؛ فرقان تا ۵ یاسین: مفقود؛ ۵ یاسین تا ۶ نجم: مفقود (مرعشی ۸)؛ ۶ نجم تا پایان قرآن: مرعشی ۱ (و مرعشی ۸).

بنابراین با کنار هم قرار دادن هر ده نسخه موجود، باز تفسیر کامل نمی‌شود. از آیه ۱۹۶

۱. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بخشی از نسخه مرعشی ۷ و تمام مرعشی ۸ شامل متن تفسیری غیر از ینابیع العلوم هستند، از همین رو در کمانک نوشته شد.

اعراف تا ۳ توبه و از ابتدای فرقان تا ۶ نجم را نداریم و در میان آیات ۷۸ نساء تا ۱۸۲ اعراف، به طور پراکنده ۶۴ آیه افتاده است. این مقدار در مجموع می شود حدود ۱۹۱ صفحه از ۶۰۴ صفحه قرآن به خط عثمان طه؛ یعنی تفسیر نزدیک به یک سوم قرآن در دست نیست.

ویژگی های زبانی

این تفسیر کهن و ویژگی های زبانی بسیار دارد. نشان دادن یا حتی برشمردن همه ویژگی ها در این مقاله نمی گنجد. بنابراین، سعی می شود اجمالاً به برخی ویژگی های نادر و کم کاربرد آن پردازیم و از نشان دادن نمونه های آنچه در متون کهن آن چنان خاص و کم کاربرد نیست،^۱ چشم می پوشیم.

۱. ویژگی های دستوری

- فعل امر با پیشوند «می»: «جبرئیل بیامد که می زار و می نال و شکایت می کن»^۲ (مرعشی ۲: ۴۸)؛ «دایه گفت: به نظاره بر بام می آیی^۳ که در شهر شوری افتاده است» (مرعشی ۲: ۵۵ پ؛ مغنسیا: ۱۲۵ پ)؛ «هر چه اتفاق می کنید، می نویسید و آنچه اختلاف می کنید، بر من عرضه می کنید»^۴ (مرعشی ۶: ۱۶).

- فعل اسنادی به جای التزامی: «احتمال دارد که مراد از آل یعقوب پیغامبران بنی اسرائیل اند^۵، چنانکه گفته ایم. و احتمال دارد که مراد از این، پسران یعقوب اند» (مرعشی ۲: ۳۶ ر)؛ «این نامی است مر کلام خدای عزوجل را بی آنکه مشتق است از معانی» (مرعشی ۶: ۶ پ؛ مرعشی ۴: ۳ پ؛ تاجیکستان: ۷۶ ر).

۱. از جمله: تکرار فعل، انواع حذف، وجه وصفی، کاربرد انواع افعال و صفات و ضمائر و حروف به جای هم و در معناهای خاص، مطابقت موصوف و صفت در شمار، جابه جایی ارکان جمله، اضافه بنوت، مفعول مطلق، الف تاکید و الف ندبه، ادغام، برخی واژگان کهن و ساختها و کاربردهای خاص آنها، بای تاکید بر سر فعل نفی، یای بیان خواب، یای استمراری و بسیاری تلفظهای خاص گویشی.

۲. مغنسیا: مکن (۱۱۷ پ).

۳. درباره اضافه شدن «-ی» به فعل امر، نک صادقی و حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۴۴.

۴. مرعشی ۴: کنیت (۹ پ).

۵. مغنسیا: پیغامبرانی اند که در بنی اسرائیل بودند (۱۰۹ ر).

- مضارع اخباری با بای تأکید: می برنجاند (مرعشی ۱: ص ۱۳۵)؛ می بترسم (مرعشی ۱: ص ۱۳۶)؛ می بگذاری (مرعشی ۲: ۴۶ر)؛ می بفروشد (مرعشی ۲: ۵۰ر).
- مصدر جعلی: «گفت: خاموشیت» (مرعشی ۲: ۶۹پ، مغنیا: ۱۴۴پ)؛ «شکیبایدم»^۱ (مرعشی ۲: ۱۱۰پ)؛ «سلفیدن» (سرفه کردن) (مرعشی ۴: ۲۵۶ر).
- فعل جمع برای فاعل مفرد^۲: «خداوند ما را بضاعت دادند» (مرعشی ۲: ۴۸ر)؛ «مصطفی... گویند که مرا یاران و امتان اند» (مرعشی ۲: ۷۸پ)؛ «ابویوسف بیرون آمدند و همسایه را گفت» (مرعشی ۲: ۷۸پ)؛ «عمل صالح ورا شخصی گرداند با جمال، تا مونس وی شوند»^۳ (مرعشی ۲: ۷۰پ).
- فعل مفرد برای فاعل جمع^۴: «این غلامان گفتند: کاشکی ما نیز خوابی بدیدی تا پرسیدی»^۵ (مرعشی ۲: ۷۱ر؛ مغنیا: ۱۴۵پ)؛ «مؤمنان را در وقت مرگ دو درد خواهد کشید» (مرعشی ۲: ۴۳ر)؛ «و بعضی از قرآء تکلف می کند در گفتن "ض" و "ظ" نمی توانند» و «بعضی از مردمان تکلف می کند و از کرانه راست زبان گویند» (مرعشی ۶: ۱۱ر). (در این باره، نک. صادقی و حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۴۰).
- طرز بیان خاص عدد: دو هزار هزار و دویست هزار و بیست و پنج هزار (مرعشی ۶: ۹پ؛ مرعشی ۴: ۴پ؛ تاجیکستان: ۸۶پ).

۲. ویژگی های واژگانی (واژه های خاص، کم کاربرد یا دارای تلفظ خاص)

• اسم

- آب جامه^۶: نوعی ظرف آب (مرعشی ۲: ۴۴پ)؛ آخرین^۷: کالا و متاع (مرعشی ۲: ۵۶پ، مغنیا: ۳۵، ۳ بار) (درباره این واژه، نک. حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۳/۱)؛ رُزمه: بقچه^۸
-
۱. مغنیا: شکیبا بودم (۱۸۲ر).
 ۲. درباره آوردن فعل جمع برای فاعل مفرد، نک. صادقی و حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۱۸.
 ۳. بدل در حاشیه نسخه: باشند.
 ۴. درباره آوردن فعل مفرد برای فاعل جمع، نک. صادقی و حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۱۸.
 ۵. مغنیا: ما را خوابی دیده می تا تعبیر پرسیدی.
 ۶. مغنیا: آب خامه (!) (مغنیا: ۱۳۵ر).
 ۷. در مغنیا یک بار هم با مد آمده است: آخرین (۱۲۶ر).

بزرگ، بار (مرعشی ۲: ۹۱، ر ۲ بار): شکیمه/ شکیمه: سرکشی (مرعشی ۲: ۴۰ پ); عَشَّار: خراج‌گیر، دهیک‌ستان (مرعشی ۲: ۵۱ ر); غراره: جوالی که از ریسمان بافند (مرعشی ۲: ۹۶ پ; مغنسیا: ۱۷۰ پ); غَزَل: رشته نخ، نخ تابیده (مرعشی ۶: ۱۹ ر; مرعشی ۴: ۱۲ پ); فرنیبره: نتیجه، فرزند سوّم (مرعشی ۲: ۸۶ ر); کژه: شپش گندم (مرعشی ۲: ۷۵ پ; مغنسیا: ۱۴۹ پ); قفز: مردن (مرعشی ۲: ۹۵ پ; مغنسیا: ۱۶۹ پ); لَبِيشه: لويشه، دهان‌گیر اسب (مرعشی ۳: ۵۸ پ; مغنسیا: ۲۷۶ ر); مخرنبق: خاموش و سرفروافکنده (مرعشی ۶: ۱۵ پ; مرعشی ۴: ۹ ر); مَغ: ژرف و عمیق (مرعشی ۳: ۹۶ پ; مغنسیا: ۳۱۰ پ); مَغی: گودی و عمق (مرعشی ۲: ۴۵ ر; مغنسیا: ۱۳۵ پ); نِهْرَجَة: نِهْره، کم‌ارزش: (مرعشی ۲: ۴۹ پ; مغنسیا: ۱۱۹ پ); نُحَاتَه کافور: تراشه، گرد کافور (مرعشی ۲: ۹۶ ر); نمارق: ج نمرقه، بالش برنشستن (مرعشی ۲: ۶۸ پ).

● فعل

«بلا را اشخاص تو کردند تا بیامدی» (روانه کردن/ به دنبال فرستادن) (مرعشی ۲: ۴۶ پ; مغنسیا: ۱۱۵ ر); «می جزدشان» (سوزاندن) (مرعشی ۱: ص ۶); «حصّه کردند» (تقسیم کردن) (مرعشی ۲: ۴۹ پ; مغنسیا: ۱۱۹ پ); «دهان داد» و «دهان دادندی» (بوسیدن) (مرعشی ۲: ۳۲ پ و ۴۱ پ; مغنسیا: ۱۳۲ ر و ۱۱۱ پ); «بد شکالند/ شگالند^۱ مر تو را» (اندیشیدن) (مرعشی ۲: ۳۳ پ); «نگواید» (بالیدن، بزرگ شدن) (مرعشی ۲: ۳۲ پ; مغنسیا: ۱۳۲ ر); «چراغ را می میرانید و می گیرانید» (خاموش و روشن کردن) (مرعشی ۲: ۱۱۲ پ; مغنسیا: ۱۸۴ ر).

● حرف

- «تا» در معنی «یا»: «أ ایمن شده‌اند که بیایدشان پوشنده‌ای از عذاب خدای عزّوجلّ تا بیایدشان قیامت ناگاه و ایشان ندانند؟» (در ترجمه «أو تأتیهم») (مرعشی ۲: ۱۱۳ ر; مغنسیا: ۱۸۵ ر) (در باره کاربرد «تا» به جای «یا»، نک. خطیب‌رهبر، ۱۳۶۷: ۲۷۰).

- أ به معنی آیا: «أ ایمن شده‌اند که بیایدشان پوشنده‌ای از عذاب خدای عزّوجلّ؟» (در

۱. مغنسیا: سگالند (۱۰۷ پ).

ترجمه «أفامنوا») (مرعشی ۲: ۱۱۳؛ مغنيسا: ۱۸۵)؛ «أ عقل نمی دارند تا تفکر کنند؟»
(در ترجمه «أفلا تعقلون») (مرعشی ۲: ۱۱۳؛ مغنيسا: ۱۸۵).

۳. ویژگی های گویشی

● افزایش

- انگشترین (= انگشتر) (مرعشی ۲: ۴۹، مغنيسا: ۱۱۹)
- در اعداد: (فقط در نسخه مغنيسا): یانزده (۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۵)؛ دوانزده (۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۶)؛ نواذده (ظ نواذده: نوزده) (۱۲۴).
- افزودن دال به مصدر: «آن دختر را اضطراب کردند گرفت و خویشان برهنه کرد» (مرعشی ۱: ص ۱۳۵)؛ «باز زاهدان را حرمت داشتند گرفتند» (مرعشی ۱: ص ۱۳۶)؛ «از بهر این معنی را راست گوی نداشت ایشان را در خبر دادند از گرگ خوردن» (مرعشی ۲: ۳۶).

● کاهش

- حذف دال از شناسه سوم شخص جمع^۱: مرعشی ۱: نشاندن (ص ۱۲)، باستاندن (۲۷۳)؛
مرعشی ۲: بگریستن (۴۴)، بیستن (۴۶)، بکشتن (۴۷)، بفروختن (۴۹)، ناچیز کردن (۷۵)، گرسنه شدن (۷۹)، گفتن (۸۰)؛ مغنيسا: بیامدن (۱۱۶)، می داشتن (۱۱۰).

- در بعضی کلمات: فرزند (مرعشی ۲: ۳۳، ۳۸، ۳۸)؛ خوانند (خداوند) (مرعشی ۲: ۳۹؛ مغنيسا: ۱۳۱، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۷).
- مصدر «آوردن» بدون «و»: آریت (مرعشی ۲: ۸۹؛ مغنيسا: ۱۶۲)؛ بیارد (مرعشی ۲: ۹۲؛ مغنيسا: ۱۶۷)؛ برآرم (مرعشی ۲: ۹۳؛ مغنيسا: ۱۶۷).

● ابدال

مرعشی ۱: چفسیده (چسبیده) (ص ۶)؛ خبه (خفه) (ص ۱۳۴ و ۱۳۵)؛ بدادر (برادر)

۱. در این باره، نک. صادقی و حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۴۲.

(ص ۱۳۵)؛ مرعشی ۲: خبش (کبش: گوسفند، در متن عربی) (۳۳ر)، زفان (زبان) (۹۵پ)، استاخ (گستاخ) (۱۰۸ر)؛ مغنيسا: گویان (گواهان) (۳۵ر)، (۱۰۸ر)، زفان (زبان) (۱۲۳ر)، پُت (بُت) (۴ر، ۱۱ر)، نپالید (نبالید) (۱۳۲ر)، پیوه (بیوه) (۱۵۵ر)، زنجیر (زنجیر) (۱۲۲پ)، چلوه (جلوه) (۱۲۵پ)، چُفت (جُفت) (۱۲۷ر)، بدرفشید (بدرخشید) (۱۲۷ر)، پیغانبران و پیغانبر (پیغامبر) (۱۱۶ر، ۱۲۶پ، ۱۵۱پ، ۱۵۴ر)؛ تاجیکستان: بپدرفتند (با نقطه زیر «د») (۷۴پ).

- گذشتن و گذاشتن (گذشتن و گذاشتن): ساخت‌های این مصدرها در مرعشی ۱ و تاجیکستان همیشه با دال است و اغلب زیر حرف، نقطه گذاشته‌اند که نشانه دال است و در مرعشی ۲ و مرعشی ۴ نیز در مواردی بدون نقطه، یعنی با دال، دیده می‌شود. مرعشی ۱: ص ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲ و...؛ تاجیکستان: ۶۷ر، ۶۸ر، ۶۹ر، ۷۱ر، ۷۵پ؛ مرعشی ۲: ۴۵ر، ۴۵پ، ۵۶ر (مگذار، درگذشت، گذارید، بگذارید، فروگذاشتند، گذشت)؛ مرعشی ۴: ار (بازگذاشت).

- «اید» به «ایت»: در همه نسخه‌ها شناسه دوم شخص جمع گاه به صورت «ایت» آمده‌ست. این تلفظ در همه ساخت‌ها و وجوه فعل دیده می‌شود و البته بیشتر در وجه امری به کار رفته‌است. نمونه‌های آن فراوان است، برای مثال: کنیت، گویت، بدانیت، مگویت، برویت، می‌داریت، داده بودیت، بازگردیت، باشیت، داریت.

- «ی» به «ن»: «منکر نشانند داشتن» (نشانید داشتن) (مرعشی ۱: ص ۸)؛ نیکونی (نیکویی): «تا بتوانی نیکونی باید گردن» (مغنيسا: ۱۱۱پ)؛ کسانى (کسانی): «ابوعمر و کسانى و نافع» (۱۱۳ر) (نیز در ۴پ: «قرأ ابن عامر و نافع و عاصم و الکشانى»، همین «کسانی» است) (در باره ابدال «ی» به «ن»، نک. صادقی، ۱۳۸۰: ۵۲-۶۴).

- «خوا» به «خو»: بخونید (مغنيسا: ۱۱۲ر)؛ خوری و خور (همان: ۱۲۴پ)؛ خوھی (همان: ۱۲۶پ)؛ خوست گردانید (۱۲۷همان: ر)؛ خوهم نمود (۱۴۲ر)؛ بخوستیت (۱۷۳ر).

- «ئیل» به «ئل»: در همه نسخه‌ها در اسم‌هایی مانند جبرئیل و میکائیل و... در اغلب

موارد، جزء «نیل»، با یک دندان نوشته شده است که نشان دهنده تلفظ دیگرگون شده این واژه هاست. واژه «جبرئیل» که پر بسامدترین این واژه هاست، بیشتر به صورت «جبرئیل» آمده است؛ اما ضبط های دیگر نیز دیده می شود: بدون همزه و نقطه (زیاد)، با همزه و دونقطه (بیشتر در مرعشی ۲)، جبریل (بیشتر در مغنیا)، جبرئیل (اندک).

- «ای» به کسره: زمن ها (زمین ها) (مرعشی ۱: ص ۱۱)؛ شرین (شیرین) (مرعشی ۱: ص ۱۳، سه بار؛ مغنیا: ۱۰۹ پ)؛ پرهن (پیرهن) (مرعشی ۲: ۴۰ ر).
- «آ» به «ای» (مُمال): خریبه (خرابه) (مرعشی ۲: ۸۲ ر)؛ لیشه^۱ (لباشه: دهان گیر ستور) (مرعشی ۳: ۵۸ پ).

- «آ» به فتحه: مرعشی ۱ «آ» را بیشتر بدون مد نوشته است و گاه با مد و در مواردی با فتحه: آواز (ص ۶)، آراستی (ص ۹)، آن (ص ۱۴).

- کسره به ضمه: پستان زنان (مرعشی ۱: ۱۲)؛ بایست (مغنیا: ۱۱۶ ر).
- بای تأکید با ضمه: مرعشی ۲: بُماند (۴۶ ر و ۴۷ پ)، بُبینم و بُبیند (۸۶ پ)، بُباشد (۹۴ پ)، بُپرورد (۹۵ ر)، بُشد، (۹۵ پ)، بُبر و بُبرم (۱۱۱ پ)؛ مغنیا: بُنیت (۱۱۶ ر)، بُرودی (۱۱۳ پ)؛ بُبرد (۱۲۰ پ)، بُبرند (۱۲۱ پ)، بُبرم (۱۲۲ پ)، بُزدیدی (۱۳۱ پ)، بُخوابانیدی (۱۳۲ ر)؛ تاجیکستان: بُدانند (۶۸ پ)، بُگفت (۶۹ ر و ۷۱ ر)، بُپرسیدند و بُباید (۷۰ پ)، بُگوید (۷۲ پ و ۷۳ پ)، بُپرسیدمی (۷۳ ر)، «بُشنودند بُدرفتند» (۷۴ پ).

- ضمه به «او»، در مرعشی ۲: هیزوم: (۳۲ ر)، خوردتر (کوچک تر) (۳۵ پ)، خوردی (نوزادی) (۳۸ ر)، خوردگ (نوزاد) (۳۸ پ)، مردومان (۳۹ پ)، نکوشیم (نکشیم) (۴۱ ر)، دوکان (۸۹ پ)، اومید (۹۴ ر)؛ بومانند (۳۸ پ)، بوبست (۵۸ پ و ۵۹ پ و ۶۲ ر)، بوبند (۶۲ ر)، بُبینی (۴۹ پ)، بوبینند (۶۶ ر)، بوبینم (۱۱۰ پ)، بوپرهیزد (۱۰۰ پ)، بوپیوست (۱۰۷ پ)، بوبوید (۱۱۲ ر)؛ در مرعشی ۱ نیز به ندرت: نوه (نُه) (ص ۱۴۷ و ۲۷۴).

- فتحه به کسره: مرعشی ۱: قطران (ص ۶)، کَنفِ رحمت (ص ۱۱)، تشدید (ص ۱۴)؛ مرعشی ۲: بگِستن (۶۸ پ)؛ مغنیا: «نِه» (حرف نفی) (۱۰۷ ر، ۱۱۸ ر، ۱۶۷ ر)، بر مِنْصِبُهُ

۱. مغنیا: لویشه (۲۷۶ ر).

(۱۱۲)، ندانستند (۱۲۲ار)، نَدِرَد (۱۱۷ار)، خَرِنْدگان (خریداران) (۱۱۹پ)، خَرِنْدَه (۱۲۰ار).

- کسره به فتحه: مرعشی ۱: نوشته (ص ۹ و ۱۰)، آمشب (ص ۱۲)، فَرِیشتگان (ص ۱۳) -
مرعشی ۲: جَبْرئِل (۴۵پ)، حاصِل (۱۱۷پ)، عَارِضین (۱۳۱ار)، پَدْر (۱۱۵ار)
- کسره به «ای»: مرعشی ۱: هرگیز (ص ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۳۵)، فریستند (ص ۷، دو بار)،
فریستاد (ص ۱۳۳)

- کسره اضافه به «ای»: مویی جانوران (مرعشی ۱: ص ۱۰): دعایی تو (مرعشی ۱:
ص ۱۳۳): پرتوی جمال مصطفوی (مرعشی ۴: ۱۰پ): گویی گریبانش (تکمه یقه‌اش)
(مر ۲: ۵۸ر).

- سکون به حرکت: مرعشی ۱: اَبْر (ص ۶)، سَرَد (ص ۱۳)، صَعَب (۲۷۳ر): مغنيسا: کَفْر
(کُفْر) (۴پ)، خِشَم (خَشَم) (۳ر).

جمع بندی

تفسیر ینابیع العلوم یکی از مهم ترین تفاسیر کهن قرآن به زبان فارسی است که در قرن ششم هجری نگاشته شده است. در این پژوهش تلاش شد تا به منظور شناخت بهتر این تفسیر و مصنّف آن، همه منابع موجود که اطلاعی از آن به دست داده اند، بررسی شود. بنابراین، اوضاع و احوال مؤلف بررسی شد؛ ویژگی های کلی اثر، از جمله هدف و ساختار و شیوه تفسیر، شرح داده شد؛ ده دستنویس به جای مانده از این تفسیر معرفی شد و نهایتاً برخی از مهم ترین ویژگی های زبانی آن، در سه دسته دستوری، واژگانی و گویشی، نشان داده شد.^۱

منابع

- آذنه‌وی، احمد بن محمد، (۱۴۱۷ق). طبقات المفسرین. تحقیق سلیمان بن صالح خزی. مدینه: مکتبه العلوم والحکم.

۱. این پژوهش در همه مراحل با راهنمایی دکتر جواد بشری پیش رفت و به سرانجام رسید. از ایشان سپاسگزارم.

- اندخودی، یوسف بن عبیدالله، تفسیر ینابیع العلوم، نسخه خطی شماره ۲۹۶ کتابخانه مرعشی، کتابت ۶۶۱ق (با نشانه مرعشی ۱).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۶۴۳۶ کتابخانه مرعشی، کتابت حدود سده ۸ (با نشانه مرعشی ۲).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۶۴۳۷ کتابخانه مرعشی، کتابت حدود سده ۸ (با نشانه مرعشی ۳).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۴۵۰۱ کتابخانه مرعشی، کتابت حدود سده ۸ (با نشانه مرعشی ۴).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۵۴۱۷ کتابخانه مرعشی، کتابت سده ۸ (با نشانه مرعشی ۵).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۴۹۲۲ کتابخانه مرعشی، کتابت ۹۵۴ق (با نشانه مرعشی ۶).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۶۷ کتابخانه مغنسیا/مانیسا در ترکیه، کتابت حدود سده ۸ و ۹ (با نشانه مغنسیا).
- همان. نسخه خطی شماره ۱۳۵۹ از هارد وزات خارجه، نسخه اصل از تاجیکستان، کتابت حدود سده ۱۲ و ۱۳ (با نشانه تاجیکستان).
- ابن ابی الوفاء، عبدالقادر بن محمد (۱۴۱۳ق). الجواهر المضيئه فی طبقات الحنفیه، ۵ ج، چاپ سنگی. تصحیح عبدالفتاح محمد حلوی. ریاض: هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان.
- استوری، چارلز آمبروز (۱۳۶۲). ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، بخش یکم (جلد اول): نگاشته‌ها درباره قرآن، ترجمه یو. ا. برگل. مترجمان: یحیی آرین پور و سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر احمد منزوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پرونتا، محمدصالح (۱۳۳۶ الف). «تفسیر شریف ینابیع العلوم». آریانا، سال پانزدهم، شماره هشتم: ۹-۱.
- (ب). (۱۳۳۶). «تفسیر امام انخودی». آریانا، سال پانزدهم، شماره دوازدهم: ۳-۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲). مقدمه ← محمد بن عمر.
- جعفری‌مذهب، محسن (۱۳۸۰). «اندخوی». در: دایرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۴۳ق). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، ۱۰ ج. تحقیق و تصحیح اکمل الدین احسان اوغلی و بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی.
- _____ (۱۳۶۰ق). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، ۲ ج. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- حائری، محمدعلی و سید محمود مرعشی نجفی (۱۳۶۹). فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، جلد اول. قم: کتابخانه مرعشی.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ۵ ج. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط. تهران: سعدی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۶) «چند نسخه خطی کتابخانه‌های افغانستان». راهنمای کتاب، سال دهم، شماره پنجم: ۵۲۰-۵۲۴.
- _____ (۱۳۴۷). «ینابیع العلوم». راهنمای کتاب، سال یازدهم، شماره هفتم: ۳۷۳-۳۷۸.
- _____ (۱۳۴۷). «نامه‌ها». راهنمای کتاب، سال یازدهم، شماره هشتم: ۴۷۴-۴۷۵.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۲). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلطان ولد، بهاء‌الدین محمد بلخی (۱۳۳۸). دیوان سلطان ولد. تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی رودکی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۲ق). الانساب. تصحیح و تعلیق عبدالرحمان بن یحیی معلّمی یمانی، ۱۳ ج. قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.
- _____ (۱۳۹۵ق). التّحییر فی المعجم الکبیر. تحقیق منیره ناجی سالم، ۲ ج. بغداد: مطبعة الارشاد.
- _____ (معجم الشیوخ). نسخه خطی، فیلم شماره ۲۱۹ دانشگاه تهران، کتابت ۶۴۷ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۱ق). لبّ اللباب فی تحریر الانساب. تحقیق محمد احمد عبدالعزیز و اشرف احمد عبدالعزیز. بیروت: دار الکتب العلمیّه.

- شیخ مونسى، حوریه (۱۳۸۹). «مقدمه و تصحیح تفسیر کهن پارسی ینابیع العلوم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، راهنما: احمد احمدی.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰). «یک قاعده آوایی». در: مسائل تاریخی زبان فارسی (مجموعه مقالات). تهران: سخن.
- صادقی، علی اشرف و اکرم‌السادات حاجی سیدآقای (۱۳۹۰). «بعضی شکل‌های ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم». دستور: ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره هفتم: ۳-۵۷.
- عالمشاهی، محمدابراهیم (۱۳۳۶). «تذکر در اطراف تفسیر شریف ینابیع العلوم». آریانا، سال شانزدهم، شماره دوم: ۱-۶.
- فتح‌الله‌زاده، ابازر و یوسف بیگ‌باباپور (۱۳۹۵). کتاب‌شناسی هزار و پانصد عنوان دست‌نویس تفسیر قرآنی، ج ۷. تهران: تک‌درخت.
- له استرانج، گای (۱۳۳۷ش). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمد بن عمر، ابوجعفر شمس‌الدین (۱۳۹۲). لطائف الاذکار للحضار و السفار فی المناسک و الآداب. تصحیح و حواشی رسول جعفریان. تهران: علم.
- مرعشی نجفی، سید محمود و سید محمد اصفیائی (۱۳۸۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳۷. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- موسوی، محمد بن فضل‌الله. تاریخ خیرات. نسخه خطی شماره ۶۱-ب دانشگاه تهران، از مجموعه دانشکده ادبیات، کتابت ۱۲۴۳ق.
- _____ . همان. نسخه خطی شماره ۵۵۷۶ دانشگاه تهران، از مجموعه سعید نفیسی شماره ۷۵، میکروفیلم‌های شماره ۲۲۷۱ و ۲۷۹۶ کتابت ۱۲۶۷ق.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۷ق). معجم البلدان، ۵ ج. بیروت: دار صادر.